

Iraq's Foreign Policy and Relations with Iran; In the Light of the Change of Political Rulers of Iraq (after the fall of Saddam 2003-2022)

Yasser Ghaemi¹

Saber Ghyasi²

Abstract

Due to its geopolitical weight and potential economic capacity, the country of Iraq is one of the important players in the Middle East region, and despite the change of different political regimes in Iraq since the 1920s, the country's foreign policy has mainly entailed various political and security costs for Iran. But the fall of Saddam in March 2003 caused new geopolitical changes in foreign policy and relations of this country with its neighbors. With the establishment of the new political system in Iraq, regional and extra-regional actors, including Iran and America, have tried to overshadow the decision-making circles in Iraq's foreign policy and have tried to make their behavior appear more legitimate in the eyes of the Iraqi government and society. Leading research, while raising the question that; what are the effective institutions or drivers in the foreign policy of Iraqi governments after 2003 and what are the decisions and direction of Iraq's foreign policy towards the Islamic Republic of Iran in the new government of this country? While pointing out the effective circles in the field of Iraq's foreign policy, it tries to analyze the approaches of modern Iraqi foreign policy, especially after the 2021 parliamentary elections towards the Islamic Republic of Iran, in an analytical and descriptive way. The hypothesis of the article is that Iraqi political institutions and structures are the main shapers of foreign policy decisions, and actors like the prime minister are almost the only executors of decisions, and it is this structure that shapes the agent's actions. The findings of the research show that the competition between the Islamic Republic of Iran and the United States and the actors aligned with them is still ongoing and this process will continue due to the performance and willingness of the new Iraqi decision makers to interact with the United States. In order to theoretically examine the topics, Hilsman's institutional analytical model has been used.

Keywords: Foreign Policy, Modern Iraq, Parliamentary Elections, Iran, America, Arab Countries.

-
1. PhD Candidate of Political Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).
yasserghaemi@yahoo.com
 2. PhD Candidate of Political Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran.
ghiyasisaber@gmail.com

Mesopotamian Political Studies, 2023, Vol. 2, Issue 2, pp. 293-317.

Received: 30 August 2023, **Accepted:** 23 September 2023

Doi: 10.22126/MPS.2023.9549.1024



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University

سیاست خارجی عراق و روابط با ایران، در پرتو تغییر حاکمان سیاسی عراق (بعد از سقوط صدام، ۲۰۰۳-۲۰۲۲)

یاسر قائمی^۱

صابر قیاسی^۲

چکیده

کشور عراق به دلیل وزن ژئوپلیتیکی و ظرفیت بالقوه اقتصادی، یکی از بازیگران مهم در منطقه خاورمیانه است و به‌رغم تغییر رژیم‌های مختلف سیاسی در عراق از دهه ۱۹۲۰، سیاست خارجی این کشور عمدتاً برای ایران هزینه‌های سیاسی و امنیتی مختلفی در پی داشته است؛ اما سقوط صدام در مارس ۲۰۰۳ سبب تحولات ژئوپلیتیکی نوینی در سیاست خارجی و روابط این کشور با همسایگان شد. با استقرار نظام سیاسی نوین در عراق، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله ایران و آمریکا تلاش کرده‌اند تا حلقه‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی عراق را تحت‌الشعاع قرار دهند و رفتارهای خود را در نظر دولت و جامعه عراق مشروع‌تر از یکدیگر جلوه دهند. پژوهش پیش‌رو، ضمن طرح این پرسش که «نهادها یا پیش‌ران‌های مؤثر در سیاست خارجی دولت‌های عراق در مقطع پس از ۲۰۰۳ کدام‌اند و تصمیمات و جهت‌گیری سیاست خارجی عراق نسبت به جمهوری اسلامی ایران در دولت جدید این کشور چگونه است؟»، تلاش می‌کند با اشاره به حلقه‌های مؤثر در حوزه سیاست‌گذاری خارجی عراق، رویکردهای سیاست خارجی عراق نوین به‌ویژه پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱ در قبال جمهوری اسلامی ایران را به روش تحلیلی و توصیفی بررسی کند. فرضیه مقاله به این صورت مطرح می‌شود که «نهادها و ساختارهای سیاسی عراق شکل‌دهنده اصلی تصمیمات سیاست خارجی هستند و بازیگرانی مانند نخست‌وزیر تقریباً تنها مجری تصمیمات هستند و این ساختار است که به کنش‌های کارگزار شکل می‌دهد». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رقابت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا و بازیگران همسو با آن‌ها، کماکان ادامه دارد و با توجه به عملکرد و تمایل تصمیم‌گیرندگان جدید عراق به تعامل با آمریکا، این روند ادامه خواهد یافت. به منظور بررسی تئوریک مباحث از الگوی تحلیلی نهادی هیلزمن بهره گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، عراق نوین، انتخابات پارلمانی، ایران، آمریکا، کشورهای عربی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

yasserghaemi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

ghiyasisaber@gmail.com

مطالعات سیاسی بین‌النهرین، ۱۴۰۲، دوره دوم، شماره دوم، ۲۹۳-۳۱۷.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

Doi: 10.22126/MPS.2023.9549.1024

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسنده‌گان.



۱. مقدمه

عراق -از زمان شکل‌گیری در پی فروپاشی امپراتوری عثمانی- از تأثیرگذارترین همسایگان بر امنیت ملی ایران بوده است و سیاست خارجی این کشور عمدتاً برای ایران هزینه‌های سیاسی و امنیتی مختلفی در پی داشته است؛ اما با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، تغییر رژیم سیاسی بغداد و شکل‌گیری نظام فدرال دموکراتیک، این کشور وارد مرحله‌ای نوین از حیات سیاسی و اجتماعی خود شد.

در واقع برخی رویکردها در سیاست خارجی عراق جدید، پس از سقوط صدام و طرح‌ریزی نظام حقوقی حاکمیتی و استقرار نظم سیاسی نوین شکل گرفته است که با رویکردهای گذشته آن متفاوت است؛ در این راستا، صرف‌نظر از جهت‌گیری‌ها و نوع نظام سیاسی در عراق، هر گروه از دولت‌مردان در بغداد فارغ از گرایش‌های سیاسی و فکری، به‌طور بالقوه با پاره‌ای از مسائل و مشکلات ثابت در این کشور مواجه‌اند که در قالب کلی ساختار تأثیرگذار بر روند سیاست‌گذاری در عرصه خارجی بررسی می‌شود. علاوه بر مواردی نظیر محصور بودن نسبی عراق در خشکی، تمایل استراتژیک عراق برای حضور وسیع‌تر و گسترده‌تر در خلیج فارس و تأکید دولت‌مردان آن بر سیاست‌های عربی و همچنین مسئله کُردها در شمال عراق، می‌توان گفت که کم بودن میزان دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس به نسبت گستره خاک و مرزهای آبی همسایگان، همواره رهبران عراق را به توسعه‌طلبی علیه همسایگان تشویق کرده است (سید و زارع، ۱۳۹۵: ۲۲۱).

در ادامه باید به نقش و تأثیر بازیگران خارجی (جمهوری اسلامی ایران و آمریکا و عربستان) بر سیاست خارجی عراق اشاره کرد. البته باید اضافه کرد که به‌طور کلی دو مقوله مهم «ساختار» و «کارگزار» در جهت‌گیری سیاست خارجی عراق اثرگذار است. ساختار شامل موضوعات ملموسی است که خود را در قالب جبر ژئوپلیتیکی، اختلافات و اشتراکات مرزی و حوضچه‌های مشترک نفتی نشان می‌دهد. البته ساختار فقط به ساختار ژئوپلیتیکی محدود نمی‌شود و شامل ساختار حقوقی قانونی و ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی امنیتی هم می‌شود و در تعیین رویکرد، کمیت و کیفیت مواضع سیاست خارجی این کشور اثر می‌گذارد. در مقوله سیاست خارجی عراق نوین، همانند سایر بازیگران، عناصر ثابت، تداوم و تغییر وجود دارد و خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلی به‌واسطه نهادهای اجرایی و حاکمیتی کشور عملیاتی خواهند شد. بر این اساس،

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی معمولاً به شکل انفرادی صورت نمی‌گیرد و فرایند دیوان‌سالارانه در سیاست‌گذاری خارجی جای تأمل و توجه دارد.

کشور عراق به‌عنوان همسایه غربی که بیشترین خط مرزی را با ایران دارد، به دلیل وزن ژئوپلیتیک و ظرفیت‌های اقتصادی که در این کشور وجود دارد، ایجاد روابط مناسب و حسنه با آن برای ایران بسیار مهم و تأثیرگذار است؛ به‌خصوص اینکه بعد از سقوط صدام و قدرت گرفتن شیعیان و نزدیکان به ایران در این کشور این مسئله بسیار مهم خواهد بود که روابط ایران با دولت عراق به چه صورت متحول شده است و ایران در نزد حاکمان عراق در مقایسه با آمریکا و دیگران چه جایگاهی دارد و در آخر اینکه آیا تغییر حاکمان در عراق عواید سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای ایران داشته است. پژوهش پیش‌رو درصدد بررسی و مطالعه استراتژی‌ها و رویکردهای سیاست خارجی عراق نوین، نهادها و عوامل مؤثر در آن و بررسی کارگزاران جدید سیاست خارجی عراق (با تأکید بر روابط با جمهوری اسلامی ایران در دولت جدید و کنونی این کشور) است.

بنابراین، پرسش اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که «نهادها یا پیش‌ران‌های مؤثر در سیاست خارجی دولت‌های عراق در مقطع پس از ۲۰۰۳ کدام‌اند و تصمیمات و جهت‌گیری سیاست خارجی عراق نسبت به جمهوری اسلامی ایران در دولت جدید این کشور چگونه است؟»

این پژوهش برای پاسخ به پرسش مطرح‌شده، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، سیستم و کارگزاران تصمیم‌گیر و سیاست خارجی عراق بعد از ۲۰۰۳ را مقایسه و بررسی می‌کند و در نهایت به واکاوی سیاست خارجی و کارگزاران عراق نوین می‌پردازد. فرضیه مقاله به این صورت مطرح می‌شود که «نهادها و ساختارهای سیاسی عراق شکل‌دهنده اصلی به تصمیمات سیاست خارجی هستند و بازیگرانی مانند نخست‌وزیر تقریباً تنها مجری تصمیمات هستند و این ساختار است که به کنش‌های کارگزار شکل می‌دهد.» رقابت‌های میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا و بازیگران همسو با آن‌ها، کماکان ادامه دارد و عملکرد و تمایل تصمیم‌گیرندگان جدید عراق به ایجاد تعادل در روابط دوجانبه خود با ایران و سایر کشورها به‌خصوص آمریکا نشان می‌دهد که کفه ترازو کماکان به نفع هیچ طرفی سنگینی نمی‌کند و حاکمان عراق به برقراری روابط همه‌جانبه و متعادل با تمام کشورها تمایل دارند و نمی‌توان گفت روی کار آمدن یا قدرت گرفتن شیعیان در عراق بعد از ۲۰۰۳، آن‌چنان که باید کفه ترازو را به نفع ایران به‌صورت چشمگیر سنگین کرده است.

۲. پیشینه پژوهش

اسماعیل ساری^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست جدید ایران در عراق پس از صدام: از پویایی جامعه‌شناختی تا واقعیت‌های سیاسی» به این مسئله اشاره کرده که سرنگونی صدام حسین را می‌توان یکی از نقاط عطف در مسیر روابط ایران و عراق دانست. با حمله آمریکا به عراق، ایران از شر دشمنی مانند صدام خلاص شد؛ در حالی که عراق به سرعت وارد منطقه نفوذ ایران شد. با این حال، حضور آمریکا در عراق نیز نگرانی‌های امنیتی جدی برای ایران ایجاد کرده است. فضای سیاسی جدیدی که در عراق پس از صدام به وجود آمد خطرات و فرصت‌هایی برای ایران به همراه داشت. افشون و الله کرم (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای سیاست خارجی عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران» به این مسئله پرداخته‌اند که آمریکایی‌ها پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، تلاش بسیاری کرده‌اند تا حلقه‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی عراق را تحت الشعاع خواسته‌های خود قرار دهند؛ این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران با داشتن عناصر قدرت نرم در عراق، توانایی بیشتری دارد که رفتارهایش در نظر دولت و جامعه عراق مشروع‌تر جلوه کند. این پژوهش تلاش می‌کند ضمن اشاره به حلقه‌های مؤثر مهم در حوزه سیاست‌گذاری خارجی عراق، رویکردهای سیاست خارجی عراق نوین در قبال جمهوری اسلامی ایران را با شیوه سناریونویسی بررسی کند.

پورحسن و خوشناموند (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری مرز نرم در روابط ایران و عراق در دوره پساصدام»، به تحلیل روابط ایران و عراق در دوره پس از صدام پرداخته‌اند. نویسندگان بیان کرده‌اند که با سقوط صدام و به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و محوریت قرار گرفتن مرجعیت، پیوندهای مذهبی بین شیعیان ایران و عراق گسترش یافته است. احساس تهدید مشترک هویتی در مقابل داعش، عبور گسترده مردم و کالاها از مرزهای دو کشور، بازسازی عتبات عالیات، راهپیمایی میلیونی زائران شیعه در اربعین حسینی از دیگر عوامل نزدیکی دو کشور است.

عطایی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و آمریکا در عراق جدید» به قدرت و جایگاه ایران و آمریکا در عراق جدید پرداخته‌اند. هدف اصلی این مقاله بررسی این موضوع است که با توجه به افول قدرت نرم ایالات متحده آمریکا پس از اشغال

عراق در مارس ۲۰۰۳ - به دلیل تک‌روی مبتنی بر قدرت سخت‌افزاری - جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی با کشور همسایه خود برای ایجاد تغییرات راهبردی و بنیادی، می‌تواند به تقویت منابع نرم‌افزاری قدرت در قبال عراق جدید بپردازد. مقالات ذکر شده و بسیاری مقالات دیگر بیان می‌کنند که با سقوط صدام در عراق و ایجاد فضا برای ایران و قدرت گرفتن شیعیان، میزان قدرت و نفوذ ایران در این کشور همسایه افزایش یافته و بسیاری از نگرانی‌های امنیتی و سیاسی ایران کاهش یافته است؛ ولی ما در این مقاله به این نکته مهم می‌پردازیم که با وجود نفوذ شیعیان و طرفداران ایران - یا حداقل کسانی که با ایران دشمن نیستند - در دستگاه قدرت و حاکمیت عراق بعد از ۲۰۰۳، اما باز هم نمی‌توان گفت که عراق تحت نفوذ و سیطره ایران قرار گرفته و حیاط خلوت ایران شده است و یا حتی دو کشور همکاری استراتژیک دارند. زیرا حاکمان عراق (نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور و...) همواره به دنبال حفظ روابط متعادل با تمام کشورها از جمله عربستان و آمریکا بوده‌اند؛ مسئله‌ای که در زمان به قدرت رسیدن شیاع سودانی به‌خوبی شاهد آن بودیم و در بخش‌های این مقاله به آن پرداخته شده است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. الگوی تحلیل نهادی هیلزمن

نهادها در اشکال مختلف، حیات انسانی را دربر گرفته‌اند و کنش‌های فردی و جمعی به‌شدت تحت تأثیر این نهادهاست. در دوران پس از جنگ دوم جهانی، به دلیل سیطره رویکردهای برآمده از انقلاب رفتاری، نهادها اغلب متغیری وابسته در نظر گرفته می‌شدند که نقش مستقلى در حیات اجتماعی ندارند. در واکنش به این حاشیه‌شدگی از دهه ۱۹۷۰ به بعد، نحله‌های متنوع نئونهادگرایی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در سیاست و اقتصاد به ارائه تحلیل‌های عمیقی از انواع و اشکال مختلف نهادها و نحوه تأثیرگذاری این نهادها بر کنش‌ها و نتایج آن‌ها دست زده‌اند که دیگر الگوهای تبیینی به آن‌ها بی‌توجه بوده‌اند. تأکید بر نقش تعیین‌کننده نهادها به‌عنوان یک متغیر مستقل بر فرایند و نتایج کنش‌های اجتماعی و سیاسی از نوآوری‌های مهمی است که نئونهادگرایی در حوزه تحلیل سیاسی در پی داشته است (کاظمی، ۱۳۹۲: ۱-۷).

اما تعریف نهاد و شناسایی مصادیق آن همواره موضوعی چالش‌برانگیز بوده است. در تعریفی ساده و کلی، نهادها مقولاتی اجتماعی‌اند که حاصل توافق آگاهانه یا ناآگاهانه جمعی از انسان‌ها

هستند. از نظر اسکات^۱ (۱۳۸۷: ۲۰۱)، تئوری نهادی بر اهمیت عناصر روان‌شناختی، سیاسی و اجتماعی در مطالعه پدیده‌های اجتماعی به‌طور اعم و در سازمان به‌طور اخص تأکید می‌کند. نهادگرایان به نقش عناصر ذهنی، نظام‌های شناخت، نظام قواعد و عقاید در سازمان اهمیت می‌دهند. از نظر وی، ثبات و نظم موجود در هر سازمان (یا نهادی) ناشی از نظام عقاید و ساختارهای منظمی است که به‌طور رسمی و غیررسمی وجود دارد.

بنابراین در مجموع، دو معنای کلی را می‌توان از واژه نهاد برداشت کرد:

۱. معنای مکانی (مادی): در این معنا، نهاد به مکان یا ایجاد محلی برای برآوردن نیازی خاص اشاره دارد؛ مانند بنگاه، سازمان یا مؤسسه، وزارتخانه.
۲. معنای فرهنگی یا موضوعی (معنوی یا غیرمادی): در این معنا، نهاد به قواعد، قوانین، عرف‌ها و هنجارها اشاره دارد که هدف همگی عینیت بخشیدن یا بیرونی کردن نگرش‌ها و باورها برای حصول به یک ادراک واحد است. در این مفهوم، نهاد از بخشنامه‌ها تا قوانین پایه یک کشور و باورهای فرهنگی یک جامعه را شامل می‌شود؛ بنابراین، با در نظر گرفتن این تعاریف و معناها از نهاد، در این پژوهش، نهاد به هر موجودیت حقوقی و سیاسی که قادر به نفوذ و اعمال مقررات است اطلاق می‌شود.

از سوی دیگر، مقوله سیاست‌گذاری خارجی هم دارای اجزای مادی (سازمان اداری) و هم دارای اجزای معنوی (سازمان انسانی) است. سازمان اداری آن بخش از سازمان سیاست خارجی است که از آن به «ساختار» یا «ساخت بوروکراتیک» تعبیر می‌شود. تحلیل‌گران به‌صورت سنتی به سازمان انسانی توجه کرده‌اند و اعتقاد بر آن است که سیاست خارجی در نهایت تابعی از میزان دانش، فطانت، اهداف، منافع و بالاخره قابلیت‌های شخصی تصمیم‌گیران و مجریان است. راجر هیلزمن^۲ (۱۹۶۷: ۵۴۱)، طراح الگوی سیاست خارجی آمریکا، این معیارها را ملاک قرار می‌دهد و سیاست خارجی آمریکا را تابعی از نقش بازیگرانی مشتمل بر رئیس‌جمهور، معاونان، مشاوران، گروه مرییان، وزیران، اعضای کنگره و اصحاب رسانه می‌داند. حتی از دیدگاه وی، در بسیاری از اوقات جا افتادن تصورات غلط در دستگاه‌های امنیتی و نظامی آمریکا پس از مدتی تبدیل به ذهنیت و مفروض قطعی مسئولان عالی‌رتبه آمریکایی برای تصمیم‌سازی شده است.

1. Richard W. Scott
2. Roger Hilsman

ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری یعنی سلسله‌مراتب و جایگاهی که تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار در فرایند تدوین و اجرای سیاست خارجی رعایت می‌کنند. تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را بازیگران فردی، نهادها و سازمان‌هایی انجام می‌دهند که در فرایند تصمیم‌گیری، جایگاه و مرتبه مشخص و معینی دارند. اغلب کشورها دو نوع ساختار رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دارند. ساختار رسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عبارت است از سازمان‌ها، نهادها و مقامات تصمیم‌گیرنده‌ای که حدود اختیارات و حوزه صلاحیت‌های هر یک از آنها صریح و مشخص در قانون اساسی کشور تعیین شده است. ساختار غیررسمی نیز عبارت است از بازیگران، تشکلهای و گروه‌هایی که در فرایند توزیع رسمی قدرت، مطابق قانون اساسی کشور، سهمی به آنها تعلق نگرفته است؛ ولی به طرق مختلف و به واسطه ابزارها، امکانات و نفوذهایی که دارند، در فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دخالت می‌کنند و در تصمیماتی که اتخاذ می‌شود تأثیرگذارند (سلیمانی، ۱۳۹۵: ۶۳۸).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل در سیاست خارجی مقوله تصمیم‌گیری و تصمیم‌های اتخاذشده است؛ اما چارچوب توجه الگوی هیلزمن، بیش از هر چیز، به نهادها و حلقه‌های نهادی حقوقی تصمیم‌گیر است و مؤلفه‌هایی نظیر نقش و تأثیرگذاری دستگاه‌ها، نهادها و مشاوران در اتخاذ تصمیم را برجسته‌تر می‌کند. به این ترتیب، تصمیم، تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیران (یا سیاست، سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاران) محور اصلی مباحث مربوط به تحلیل سیاست خارجی است.

رهیافت موجود در الگوی تحلیل نهادی هیلزمن بر اساس نقشه‌ای ارائه‌شده از سوی بازیگران قرار داده شده است. از آنجا که نقش‌ها برای برخی چالش‌های خاص، به‌ندرت پاسخی از پیش تعیین‌شده آماده کرده‌اند و به دلیل اینکه تقاضاهای غالباً نامناسب مستلزم دادوستد است، در هر وضعیتی تصمیمات عقلانی بسیاری متصور است. از این‌رو، گزینه‌های واقعی نخبگان تصمیم‌ساز متأثر از ارزش‌ها و منافعشان شکل می‌گیرد و هنگام اختلاف میان نخبگان، تقسیم قدرت میان آنها که توسط نهادهای حکومتی دولت مشخص می‌شود تعیین‌کننده است.

نقطه ثقل تحلیل نهادگرایانه راجر هیلزمن تأکید بر نقش نهادها به‌عنوان یک متغیر مستقل در شکل دادن به روندها و نتایج کنش‌های فردی و جمعی و پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است. بر این

اساس، او رهیافت خویش را بر اساس نقش‌های ارائه‌شده از سوی بازیگران قرار داده و از این منظر، سیاست خارجی را محصول ایفای نقش چهار گروه از بازیگران می‌داند:

گروه اول: به بازیگران محوری اشاره دارد که در اخذ تصمیم‌ها نقش اصلی را دارند.

گروه دوم: نزدیک‌ترین بازیگران تأثیرگذار بر تصمیم‌گیران اصلی را شامل می‌شود. در این حلقه معتمدان، مشاوران و مقامات سیاسی مربوط به موضوع بحث قرار دارند.

گروه سوم: سازمان اداری نزدیک به موضوع مورد بحث را شامل می‌شود که به‌طور عمده کارشناسان و مدیران ارشد نهادهای اداری مرتبط را دربرمی‌گیرد.

گروه چهارم، دربردارنده سه دسته از بازیگران است که پارلمان، گروه‌های صاحب‌نفوذ و افکار عمومی (رسانه‌های جمعی) را شامل می‌شود. این بازیگران در زمینه‌سازی شکل‌گیری یک تصمیم و اجرایی شدن آن نقش بسزایی را ایفا می‌کنند (hilsman, 1967: 544).

۴. انطباق الگوی تحلیلی با وضعیت عراق

اگرچه قانون اساسی عراق قدرت نخست‌وزیر، کابینه، وزارتخانه‌ها و همچنین نقش پارلمان را مشخص می‌کند، اما نهادهای مختلف (و بازیگران داخلی و خارجی) در زمینه سیاست خارجی و مسائل مربوط به سهم خود در قدرت رقابت می‌کنند. اقدامات و تعامل بین چهار نهاد کلیدی در امر سیاست خارجی رسمی در عراق نیازمند تحلیل است: نخست‌وزیر و دفتر نخست‌وزیری، وزارت امور خارجه، وزارت امنیت ملی و کمیته روابط خارجی پارلمان. با توجه به آنچه بیان شد، الگوی هیلزمن با جرح و تعدیل‌هایی نسبت به وضعیت خاص عراق برای تبیین سیاست خارجی این کشور در شرایط فعلی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۴-۱. قانون اساسی

قانون اساسی جدید عراق در سال ۲۰۰۵ از طریق رفراندوم به رأی گذاشته شد و در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید. بخشی از قانون اساسی به‌صراحت به پارلمان و دولت فدرال اقتدار منحصر به فرد در موضوع سیاست‌گذاری خارجی از جمله تصمیم‌گیری خارجی، ایجاد یا از میان برداشتن نمایندگی دیپلماتیک و ورود به معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی داده است. در واقع، قانون اساسی عراق به‌مثابه سندی بالادستی است که نهادها و «نظم سیاسی نوین مستقر در این کشور» حول آن چینش

شده است و بر تمام حلقه‌های تصمیم‌گیری در عراق تأثیرگذاری دارد و در واقع، حلقه اتصال به شمار می‌آید (احمدی و قزوینی حائری، ۱۳۸۲).

۴-۲. نخست‌وزیر

قدرت نخست‌وزیر و اختیارات وی در سیاست خارجی به‌عنوان بخشی از قانون اساسی و در چهارچوب حلقه اول جای می‌گیرد. اگرچه اختیارات اجرایی دولت فدرال در زمینه‌هایی مانند روابط خارجی، نحوه اجرای قانون و هنجارهای عمل اجرایی سیاست خارجی هنوز محل مناقشه است، اما نخست‌وزیر (به‌مثابه رئیس دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح) مرجع اصلی شکل‌گیری سیاست خارجی در عراق است. نخست‌وزیر همان رئیس دولت است و به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی، خط‌مشی‌های سیاست خارجی را تعیین می‌کند (برگرفته از اصل ۵۶ قانون اساسی عراق). ممکن است آن سیاست خارجی که نخست‌وزیر باید به‌صورت قانونی پیگیری کند با سیاست خارجی بر مبنای منویات حزبی نخست‌وزیر متفاوت باشد. علاوه بر این، هرچند تقسیمات داخلی دولت عراق به دنبال هماهنگی سیاست‌گذاری خارجی در عراق بوده، اما در میان طیف‌های قومی و مذهبی در این کشور وابستگی‌های مختلفی وجود دارد که بر سیاست خارجی مؤثر است.

۴-۳. وزارت امور خارجه

این وزارتخانه را در واقع باید جزئی از حلقه سوم به شمار آورد؛ به‌گونه‌ای که سه اولویت سیاست خارجی را که به‌عنوان طرح‌های موفق شناخته شده از سال ۲۰۰۳ به شمار می‌آیند در دستور کار خود قرار داده است. هوشیار زیباری، اولین وزیر امور خارجه عراق درباره اولویت اول این‌گونه بیان کرده است: «مسئله کلیدی برای ما پس از سال ۲۰۰۳ بازگرداندن حاکمیت، تبدیل شدن به یک کشور عادی و رسیدن به یک توافق دوستانه با آمریکایی‌ها برای خروج نیروهای نظامی آن‌ها بوده و من فکر می‌کنم منافع ما برای رسیدن به آن هماهنگ شده بود و این یک دستاورد بزرگ است.»

بر مبنای اولویت دوم، سیاست خارجی به اندازه‌ای مهم بود که عراق با تجربه جنگ با دو همسایه خود و مطرح شدن به‌عنوان یک تهدید برای جهان، تلاش می‌کرد تا روابط خود را با اعضای جامعه بین‌المللی احیا کند.

سومین اولویت مرتبط با وزارت خارجه عراق را باید از وضعیت عراق در فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل دریافت که به‌طور مؤثر بر حاکمیت عراق در سیاست خارجی تأثیرگذار است؛

اما وزارت امور خارجه عراق، با توجه به اهداف خود در راستای عادی‌سازی روابط و افزایش امنیت داخلی و منطقه‌ای، به‌طور منظم با چالش‌های تفسیر قانون اساسی و تقسیمات مبتنی بر شکاف‌های قومی و فرقه‌ای مواجه است؛ بنابراین، وزارت امور خارجه مانند دیگر نهادهای دولتی مجبور است اولویت را به جای منافع عراق به منافع گروه خاص قومی فرقه‌ای بدهد؛ هرچند که باید با برخی اتهامات مواجه و هزینه‌هایی را نیز متحمل شود.

۴-۴. پارلمان و کمیته روابط خارجی

نظام سیاسی پارلمانی عراق و انتخاب نخست‌وزیر از دل آن موجب شد که پارلمان به‌مثابه یک نهاد مهم در عراق به‌عنوان یکی از بازیگرانی باشد که در تدبیر سیاست خارجی عراق و سیاست‌گذاری خارجی هم در حلقه اول و هم تراز با نخست‌وزیر و هم در حلقه سوم تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری خارجی دخیل باشد. به‌طور مشخص، در حلقه اول رئیس پارلمان و در حلقه سوم کمیته روابط خارجی پارلمان به‌عنوان عامل اجرایی در سیاست خارجی عراق تأثیرگذار است. کمیته یادشده همواره تلاش کرده تا نقش مهمی را در برگزاری برخی سمینارها برای ایجاد و شکل‌دهی به سیاست خارجی ایفا کند. اگرچه نقش پارلمان و کمیته روابط خارجی آن در سیاست‌گذاری خارجی واقعی در مقایسه با سهم سایر مؤسسات کم در نظر گرفته شده، اما بازیگران پارلمانی تا جایی که به بحث‌های سیاست خارجی مربوط می‌شود، با وجود برخی اختلافات در سطوح داخلی و بین‌المللی خود، در برقراری روابط خارجی میان عراق و سایر کشورها دخیل هستند.

۴-۵. احزاب سیاسی عراق در منطقه و صحنه بین‌المللی

احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف عراق در فرایندهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌مثابه حلقه چهارم مؤثر بر روند سیاست‌گذاری خارجی ایفای نقش می‌کنند؛ تا جایی که آن‌ها حمایت بین‌المللی را جست‌وجو می‌کنند و همچنین در راستای بیان مواضع برجسته خود درباره موضوعاتی که طرفداران داخلی آن‌ها به آن اهمیت می‌دهند فعال هستند. جریان‌های سیاسی-مذهبی و ایدئولوژیک عراق همچنان ارتباطات فراملی خود را دارند. این موضوع میراث سال‌هایی است که گروه‌های مخالف عراقی تبعید شدند و دفاتر خود را در لندن، واشنگتن، دمشق، تهران و دیگر مکان‌ها به راه انداختند و به دنبال اتحاد با قدرت‌های فراملی و بین‌المللی بودند. پیوندهای فراملی جدید، گروه‌های دیاسپورا و مراکز مخالفت نیز با مهاجرت عراقی‌ها به سایر نقاط منطقه به‌عنوان پناهنده یا برای دستیابی به

فرصت‌های اقتصادی بهتر ایجاد شده است. این امر، علاوه بر شکل‌گیری موقعیت‌های سیاسی، سبب شده تا سیاست‌مداران و رهبران شبه‌نظامی مواضع جریان خود را در نظر بگیرند و در سیاست‌گذاری خارجی به منافع و امنیت ملی عراق اولویت ندهند.

۴-۶. مرجعیت

نهاد مرجعیت از حلقه‌های مهم تأثیرگذار بر تمامی تحولات عراق در دورهٔ پسااصدام بوده و به همین دلیل می‌توان به‌طور غیرمستقیم آن را یکی از حلقه‌های مهم و اثرگذار بر سیاست‌گذاری خارجی قلمداد کرد. ایشان در پایه‌ریزی سیاست‌گذاری امنیتی مردم پایه (حشدالشعبی) و به عبارت بهتر نفی چپ‌نشین نظامی-امنیتی آمریکایی‌ها در عراق پسااصدام و هدایت نخبگان عراقی به سمت استقلال در تصمیم‌گیری نقش بسزایی داشتند (عبدالرزاق، ۲۰۲۰). بدیهی است که تغییر و تحولات ساختار حقوقی سیاسی عراق نوین به بازتعریف نقش مرجعیت دینی در حوزهٔ سیاست این کشور کمک کرد و البته مرجعیت نیز در پایه‌ریزی ساختار سیاسی نوین نقشی مهم داشت. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که با توجه به شاخصه‌هایی نظیر «بافت عشیره‌ای و قبیله‌ای» و «تکثر اقوام و ادیان و مذاهب»، در جامعهٔ عراق علاوه بر حضور و فعالیت بازیگران متعدد، پیش و پس از طرح‌ریزی ساختار نوین حقوقی حاکمیتی عراق، این ساختار نه کاملاً در جهت «سکولاریسم» یا «علمانیت»، مبتنی بر آموزه‌های لیبرالیسم غربی سوق یافته و نه کاملاً بر مدار دینی می‌چرخد؛ بنابراین، با وجود تلاش برای گنجاندن «مبانی سکولاریسم و لیبرالیسم و آموزه‌های حقوق بشری» در قانون اساسی و نهادهای حقوقی حاکمیتی عراق، تلاش‌های مراجع و علمای تراز اول دینی به‌مثابهٔ مانعی محکم در برابر این تلاش‌ها ظاهر شد؛ به همین سبب ساختار قدرت در عراق نوین را نه می‌توان کاملاً سکولار و نه کاملاً دینی خواند (افشون، ۱۳۹۴: ۵۶).

۴-۷. بازیگران مداخله‌گر خارجی در عراق

این مقوله را به سبب اشغال عراق به دست آمریکا باید یکی از مهم‌ترین حلقه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عراق در مقطع پسااصدام به‌شمار آورد که در واقع، در اکثر حلقه‌ها به‌صورت غیرمستقیم بر سیاست‌گذاری خارجی نقش داشته و در اوایل سقوط رژیم صدام حتی گاه در قالب گماردن مشاوران و تحمیل برخی اشخاص به نخست‌وزیری و نهادهای حاکمیتی دیگر (به‌ویژه نهادهای امنیتی رسمی و مالی) در سیاست‌گذاری خارجی مؤثر بوده است. در واقع، شکل‌گیری حکومت و روی

کار آمدن دولت‌ها در عراق تا حدودی تحت‌الشعاع منافع بازیگران دخیل خارجی در عراق بوده است، اما این نکته را نباید فراموش کرد که اکنون نوعی استقلال نسبی در مواضع خارجی عراق پس‌اصدام مشاهده می‌شود؛ هرچند به نظر می‌رسد که تا استقلال کامل هنوز فاصله بسیار است.

۴-۸. اقلیم کردستان عراق

علاوه بر نخست‌وزیر، دفتر آن، پارلمان، احزاب، گروه‌های سیاسی و همچنین گروه‌های صاحب نفوذ و رسانه‌ها و بازیگران دخیل خارجی در حوزه تحت حاکمیت دولت مرکزی عراق، مشابه این وضعیت -در سطحی پایین‌تر- در منطقه کردستان عراق نیز وجود دارد. در واقع، اقلیم کردستان را باید به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عراق در نظر گرفت که به دوگانگی در سیاست‌گذاری خارجی عراق (بغداد-اربیل) انجامیده است. در این زمینه باید اشاره کرد که حوزه سیاست خارجی در دولت‌های فدرال در انحصار دولت مرکزی است؛ اما در عراق این وضعیت متفاوت است و از دهه ۱۹۹۰ تا کنون، با اعلام منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق، این وضعیت به‌نوعی بر این کشور حاکم بوده است.

هرچند از عنوان جمهوری دموکراتیک فدرال عراق در قانون اساسی این کشور یاد می‌شود، اما اقلیم کردستان در این کشور دارای دستگاه سیاست خارجی جداگانه و در قالب مسئول روابط خارجی، پیگیر روابط با کشورهای دیگر است. اکنون کردستان عراق به‌عنوان دومین مرکز سیاست خارجی در عراق ظهور کرده و تأثیر تعاملات آن با خارج از اقلیم صرفاً به سطح محلی محدود نمانده و بر سیاست خارجی حکومت مرکزی اثرگذار است. سیاست خارجی اقلیم نه‌تنها در راستای تحقق پروژه استقلال‌طلبی کردها پیش رفته است، بلکه گاهی خلاف اهداف و آرمان‌های دستور کار بغداد حرکت کرده است. اداره روابط خارجی اقلیم نقش وزارت خارجه اقلیم کردستان را ایفا می‌کند. در کنار این اداره، هنوز هم احزاب سیاسی اقلیم کردستان روابط آشکار و مخفیانه‌ای با کشورها دارند؛ به‌ویژه روابط با کشورهایی مانند ترکیه که هنوز حاضر به اعتراف به کیان فدرالی اقلیم کردستان نیست، اما روابط با این کشور از طریق احزاب سیاسی پیگیری می‌شود.

۵. سیاست خارجی عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران

روابط تهران و بغداد از کودتای حزب بعث در سال ۱۹۶۸ تا حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، نه همسایگی بود و نه عادی؛ بنابراین، سرنگونی صدام حسین را می‌توان یکی از نقاط عطف در مسیر

روابط ایران و عراق دانست (Sari, 2021: 427). ایران از طریق چندین استراتژی به دنبال دستیابی به اهداف خود در عراق بوده است: حمایت از جناح‌های طرفدار ایران و شبه‌نظامیان مسلح و تلاش برای نفوذ بر رهبران سیاسی عراق و رهبران جناح‌ها و ایجاد روابط اقتصادی در سراسر عراق. بسیاری از رهبران دوران جدید در عراق، در دوران حکومت صدام، یا در ایران بوده‌اند و یا تحت حمایت مادی ایران قرار داشته‌اند و ایران را به‌عنوان یک حمایت‌کننده و بازیگر تأثیرگذار در عراق می‌دانند؛ با وجود این، حتی کسانی که روابط دیرینه‌ای با ایران دارند خود را به‌عنوان مدافعان ملی‌گرا از منافع عراق مطرح کرده‌اند. به نظر می‌رسد که بسیاری از شهروندان عراقی با نارضایتی از این رابطه، احزاب و جناح‌هایی را که نفوذ غالب ایران در عراق را می‌پذیرند رد می‌کنند. این احساسات باعث شده است که ایران در عراق دچار شکست‌های اساسی شود. طرفدارترین جناح‌های ایران عموماً در انتخابات استانی ۳۱ ژانویه ۲۰۰۹ و دوباره در ۷ مارس ۲۰۱۰، انتخابات سراسری مجلس شورای ملی، عملکرد ضعیفی داشتند (Katzman, 2010: 2).

با وجود چالش‌ها و مشکلات عراق در دوران پس‌اصدام، رویکردهای سیاسی داخلی و خارجی این کشور در مقایسه با گذشته تغییر کرده است. همان‌گونه که پیش‌تر آمد، نخست‌وزیر در حلقه اول تصمیم‌گیری سیاست خارجی نقشی عمده دارد؛ اما برای فهم بهتر سیاست خارجی آینده عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران، ابتدا ضرورت دارد ضمن کالبدشکافی ساختار حقوقی حاکمیتی نظم سیاسی مستقر نوین، نگاهی داشت به آرایش سیاسی جدید عراق پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ و انتخابات زودهنگام سال ۲۰۲۱.

۵-۱. ساختار حقوقی و حاکمیتی نظم سیاسی مستقر نوین عراق

در دهه‌های گذشته، اقلیت اعراب سنی به‌ویژه بعثی‌ها بر ساختار سیاسی عراق مسلط بودند؛ اما پس از براندازی رژیم بعثی، حکومتی با ریاست‌جمهوری کردها و نخست‌وزیری فردی شیعه در عراق برقرار شد و اعضای کابینه متشکل از شیعه، عرب و سنی و کردها است (صلاحی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۱: ۶۶).

بر اساس ماده نخست قانون اساسی عراق، جمهوری عراق کشوری مستقل و دارای حاکمیت است که نظام حکومتی آن جمهوری، پارلمانی، دموکراتیک و فدرال است. بند سوم ماده ۵۸ قانون اساسی، انتخاب رئیس‌جمهور و دیگر اختیارات مجلس مقننه در انتخاب مقامات، و ماده ۷۳ انتخاب نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور را تشریح می‌کند. بررسی اجمالی ماده‌های مذکور حاکی از آن

است که انتخابات پارلمانی در عراق تنها به معنی انتخاب نمایندگان این کشور نیست، بلکه انتخاب دیگر مقامات ارشد کشور از رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر گرفته تا وزرا، امرای ارتش، قضات عالی کشور و سفرا و ... را دربرمی‌گیرد.

در واقع، در نظام سیاسی جدیدی که به‌طور رسمی از سال ۲۰۰۵ بر عراق حاکم شده است انتخابات پارلمانی مهم‌ترین رخداد سیاسی در این کشور است که بر اساس آن گروه‌های مختلف سیاسی، قومی و مذهبی سعی خواهند کرد با جذب آرای بیشتر، قدرت افزون‌تری در این کشور از آن خود کنند و در نتیجه سرنوشت کشور دست کم برای یک دوره چهارساله مشخص می‌شود (پشنگ و زمردی، ۱۳۹۳). به همین دلیل، هم گروه‌های مختلف سیاسی در داخل عراق و هم کشورهایایی که به‌نوعی تحولات سیاسی عراق و چگونگی قدرت‌گیری گروه‌های مختلف عراقی برایشان اهمیت دارد، هر یک به‌نوعی سعی در نقش‌آفرینی، تحریک و حضوری پررنگ در انتخابات پارلمانی دارند. در ادامه، سیاست‌ها و رفتارهای دولت‌العبادی در قالب برنامه‌هایی نظیر «انفتاح سیاسی»، «دوری از محاور» و «سلاح بیدالدوله» ارائه شد.

۵-۲. سیاست‌ها و رفتارهای دولت‌العبادی و منافع بازیگران خارجی دخیل

رویکردهای‌العبادی در بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ بر مبنای «انفتاح سیاسی»، «دوری از محاور» و «سلاح بیدالدوله» بیش از هر چیز، به گرایش سیاست خارجی دولت او به ایجاد «توازن در میان بازیگران» عمق بخشید. هرچند نتایج برخی رفتارها و رویکردهای حیدر‌العبادی در عمل به تضعیف نیروهای همسو با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت انجامید، به‌ویژه سیاست «سلاح بیدالدوله» که اساس آن بر محدود کردن حشدالشعبی و نیروهای همسو با جمهوری اسلامی ایران در عراق قرار داشت. با اطمینان می‌توان گفت که نخبگان سیاسی عراق، در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ اصل «توازن» را در روابط و سیاست خارجی مدنظر قرار دادند (افشون، ۱۳۹۴). در واقع، در دوران نخست‌وزیری حیدر‌العبادی سه رویکرد مهم در سیاست خارجی عراق شکل گرفت که همچنان از دغدغه‌های محور مقاومت به شمار می‌آید. این سه رویکرد عبارت است از:

۱. انفتاح سیاسی که بیش از همه بر گسترش روابط با کشورهای خلیج فارس به‌ویژه عربستان

تکیه داشت.

۲. دوری از محاوره که بر نوعی موازنه مثبت و بی طرفی در مناسبات با آمریکا و جمهوری اسلامی ایران به علاوه دوری سرزمین عراق از تنش های میان دو محور تأکید داشت.

۳. سلاح بید الدوله که اگرچه رویکردی کاملاً داخلی بود، اما می توانست و می تواند برای جمهوری اسلامی آثار و تبعاتی داشته باشد و سیاست خارجی عراق را در رفتار با جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر قرار دهد. نکته مهم در اینجا تداوم یا عدم تداوم گرایش ها و رویکردهای سیاسی العبادی در قبال جمهوری اسلامی ایران در عراق بعد از ۲۰۱۸ است. بنا بر آنچه گفته شد، اکنون تشریح وضعیت نوین عراق پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ و انتخابات زودهنگام سال ۲۰۲۱ و تأثیر آن بر حوزه سیاست خارجی اهمیت دارد.

۳-۵. انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ عراق

اهمیت انتخابات پارلمانی با توجه به ساخت حقوقی و حاکمیتی عراق نوین و با عطف به کالبدشکافی ساختار قدرت در آن روشن است. گفتنی است که اولین انتخابات پارلمانی دوران پساداعش و چهارمین مرحله آن در مقطع پساصدام در فضایی متلاطم مانند برافراشتن پرچم استقلال طلبی از سوی گُردها، ورود اهل سنت به شرایط ویژه دوران بازسازی جغرافیای خود، واگرایی فزاینده میان طیف شیعی و خیز برداشتن حوزه عربی برای گسترش تعاملات با عراق و همچنین «اندیشه بازگشت نیروها از سوی آمریکا»، برگزار شد. از این رو، بازیگری سیاستمداران و نخبگان سیاسی عراقی در این دوره، چه در بُعد داخلی و چه در بُعد خارجی، متمایز از گذشته بود.

مطالبات افکار عمومی در این دوره، با وجود چالش های جدی زیربنایی در نظام سیاسی عراق، به جای سوق یافتن به حل این چالش ها و گزینش «گفتمان سیاسی مطلوب در راستای حل و فصل آن ها»، به سمت حل چالش های رو بنایی و مطالبات فوری تر، ملموس تر و عمومی تر مانند «خدمات رسانی و موضوعات معیشتی و بهداشتی و مبارزه با فساد» حرکت کرد. این دو نوع چالش و ترجیح مطالبات فوری از سوی بدنه اجتماعی جامعه و حمایت مرجعیت از آن، نتایج انتخابات و نحوه چینش کابینه این دوره را متفاوت با پیش بینی های اولیه رقم زد؛ به گونه ای که می توان گفت حوزه سیاست خارجی عراق در قبال همسایگان و به ویژه جمهوری اسلامی ایران را نیز متأثر ساخت (Devendra, 2020: 151).

در واقع، انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ موجب شد که جریان صدر (از جریان های ضد آمریکایی و ضد ایرانی اما طرفدار گسترش مناسبات عراق با حوزه عربی) و سپس جریان الفتح (از جریان های

مقاومت دارای گرایش غالب ضدآمریکایی) نقش مهمی در تغییر اصول و استراتژی‌های کلی روند سیاسی عراق و کم و کیف شکل‌گیری دولت بازی کنند؛ بنابراین، بدیهی بود که روابط خارجی و سیاست‌های کلی داخلی کشور در سال‌های بعد از ۲۰۱۸ دچار برخی تحولات شود و رفتارهای سیاسی سیاست‌مداران عراق در حوزه روابط خارجی تا حدود زیادی متأثر از اندیشه‌ها و تفکرات رهبران و نخبگان این دو جریان (مقتدی صدر و هادی العامری) باشد.

انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ عراق نتوانست باعث اتحاد و ثبات سیاسی در عراق شود. در واقع این انتخابات از بحث‌برانگیزترین انتخابات پارلمانی پس از سال ۲۰۰۳ بود. از یک سو، اتهامات متعددی مبنی بر تقلب در انتخابات در طول و پس از انتخابات، به‌ویژه از سوی احزاب و جناح‌های سیاسی بازنده وجود داشت. از سوی دیگر، مشارکت بسیار کم در انتخابات (حدود ۴۱ درصد) نشانه‌ای از این بود که اکثریت عراقی‌ها به‌طور فزاینده امید خود را به ایجاد یک تغییر اساسی از طریق صندوق‌های رأی از دست داده‌اند که این امر با اعتراضات چند ماه بعد از آن ثابت شد. نتایج انتخابات اما اهمیت کمتری نداشت؛ زیرا نشان‌دهنده تغییر چشمگیری در ترکیب اردوهای پیروز بود (افشون، ۱۳۹۴).

از نتایج این انتخابات پیروزی جریان صدر به رهبری مقتدی صدر بود. مقتدی صدر روحانی و سیاست‌مدار بانفوذ شیعه که بلوک او بیشترین سهم از کرسی‌ها را در پارلمان جدید به دست آورد، طی چند سال گذشته به یکی از جدی‌ترین چالش‌های منافع بلندمدت ایران در عراق تبدیل شده است. در واقع، صدر در چند سال گذشته بر موج ناسیونالیسم عراقی و افزایش احساسات ضدبیگانگی در عراق سوار شده و خود را به‌عنوان یک شخصیت مستقل و ملی‌گرا معرفی کرده است (Devendra, 2021: 151). صدر بارها از گروه‌های مورد حمایت ایران از قبیل وابستگان به حشدالشعبی انتقاد کرده و خواستار انحلال و ادغام آن‌ها در ساختارهای رسمی دولتی شده است. در سطح بین‌المللی، نیت ظاهری صدر برای ایجاد تعادل بین ایران و رقبای منطقه‌ای‌اش به‌ویژه عربستان سعودی، و در سطح فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا، مایه امیدواری تهران نیست. به‌صورت کلی جمهوری اسلامی ایران تمایل ندارد که یک فرد یا جناح، چه صدر یا هرکس دیگر، به‌تنهایی بر سیاست شیعیان عراق مسلط شود. در عوض، ایران از موضع چارچوب شیعی حمایت می‌کند که دولت ائتلافی-اجماعی (همان‌گونه که از سال ۲۰۰۳ چنین بوده) تنها راه‌حل پایدار است (Darvishi & Vatankehah, 2018: 19).

با همه این اوصاف، در حالی که جنبش صدر بیشترین تعداد کرسی‌های پارلمان را به دست آورد، ائتلاف فتح (نزدیک به ایران و بخشی از چارچوب شیعی) در مجموع رأی بیشتری کسب کرد و در نهایت موفق به تشکیل دولت با نخست‌وزیری عادل عبدالمهدی شد؛ اما وی موفق نشد که کابینه وزرای خود را کامل کند و اختلافات جاری در بین احزاب سیاسی اصلی در پارلمان سبب اصلی تکمیل نشدن کابینه عبدالمهدی بود. این امر به همراه مجموعه‌ای دیگر از عوامل سیاسی و اقتصادی، عبدالمهدی را در برابر وظیفه دشواری قرار داد که تنها بعد از ۱۳ ماه مجبور به استعفا شد. اتفاقات بعد از انتخابات ۲۰۱۸، ائتلاف مترزلی را در تشکیل دولت عادل عبدالمهدی ایجاد کرد که موجب شد بعد از اعتراضات ۲۰۱۹ استعفا کند و در نهایت مصطفی الکاظمی در ماه می ۲۰۲۰ به نخست‌وزیری رسید.

۵-۳-۱. تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ و تأثیرات آن بر سیاست خارجی دولت جدید

تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ که شدیدترین اعتراضات از سال ۲۰۰۳ بود، صحنه سیاسی عراق را به کلی تغییر داد. معترضان خواستار استعفای دولت، تغییر قانون انتخاباتی و نیز انتخابات زودهنگام بودند. جهت‌گیری کلی تظاهرات اکتبر نزدیک به جریانات سکولار و ملی‌گرا و جریان صدر بود. در نتیجه فرصت ایجاد شده انتخاب نخست‌وزیر موقت به نفع جریان‌های ملی‌گرا و سکولار تمام شد و سرانجام در ۹ آوریل ۲۰۲۰، مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر عراق شد. الکاظمی که برخاسته از تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ بود و از حمایت آمریکا، کشورهای عربی، گروه‌های ملی‌گرا، سکولار و جریان‌های لائیک و گردها برخوردار بود تلاش کرد تا رویکرد جدیدی مطابق با خواسته‌های تظاهرکنندگان در عرصه سیاست داخلی و خارجی ارائه دهد که می‌توان آن را در راستای تقویت «ناسیونالیسم عربی»، تضعیف نفوذ ایران و بازگشت به محیط عربی تفسیر کرد (ازکات، ۱۴۰۰).

۵-۳-۲. سیاست خارجی مصطفی الکاظمی

از زمان روی کار آمدن الکاظمی شاهد برگی تازه از سیاست خارجی عراق بعد از سال ۲۰۰۳ هستیم و فصل جدیدی از روابط عراق با کشورهای ایران، عربستان و سایر کشورهای عربی شروع شد. نخست‌وزیر موقت از همان اوایل، برخلاف سنت پیشینان خود، عربستان را به‌عنوان اولین مقصد خارجی خود انتخاب کرد که نشان از عمق توجه او به هویت عربی و ارجحیت تعامل با عربستان نسبت به ایران بود. الکاظمی در مقاله‌ای در روزنامه *المانیتور*، روابط عراق و عربستان را کلید اصلی مشکلات و وظیفه استراتژیک برای دو کشور دانست و تلاش کرد سیاست داخلی و خارجی خود

را در جهت منافع کشورهای عربی و کاهش نفوذ ایران و تضعیف جریان‌ها و شبه‌نظامیان همسو با ایران تنظیم کند.

در عرصه سیاست داخلی، دولت موقت با اینکه یکی از اولویت‌های مهم خود را مبارزه با فساد، مقابله با قدرت شبه‌نظامیان و کنترل سلاح جناح‌های غیردولتی و ادغام آن‌ها در تشکیلات امنیتی عراق قرار داد، ولی اقدامات وی فقط در مقابله با نفوذ گروه‌های مسلح شیعه همسو با ایران بود. الکاظمی با اقداماتی مانند حمله به مقر کتائب حزب‌الله (یکی از جناح‌های نزدیک به ایران) و دستگیری شماری از آنان توسط نیروهای ضدتروریسم، تغییر برخی از مسئولان امنیتی همسو با ایران و جایگزین کردن آن‌ها با چهره‌های سکولار و ملی‌گرا و محاصره برخی از منابع مالی آن‌ها با قرار دادن نیروهای امنیتی و سرویس ضدتروریسم در مرزهای سوریه و ایران به منظور کنترل و نظارت بر فعالیت مرزها، در جهت مهار قدرت شبه‌نظامیان همسو با جمهوری اسلامی ایران به منظور کاهش نفوذ ایران در عراق گام برداشت (ازکات، ۱۴۰۰).

در عرصه سیاست خارجی، الکاظمی در پی تعمیق روابط خود با کشورهای عربی به ویژه عربستان بر پایه ناسیونالیسم عربی و هم‌زمان کاهش وابستگی به ایران بود. اقدامات الکاظمی مانند سفرهای متعدد به کشورهای عربی، برگزاری چندین دوره اجلاس سه‌جانبه عراق-مصر-اردن، توافق‌نامه‌های مهم در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، تجاری، سرمایه‌گذاری و گردشگری و هم‌زمان تلاش برای کاهش وابستگی به جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف (برای نمونه پروژه انتقال برق و گاز از کشورهای حوزه خلیج فارس و اتصال شبکه برق عراق به کشورهای عربی) نشان‌دهنده تغییر بزرگ در عرصه سیاست خارجی عراق از سال ۲۰۰۳ یعنی دور شدن از ایران و بازگشت مجدد به محور کشورهای عربی است. هرچند الکاظمی به دلیل موقت بودن و دوره کوتاه دولت وی و تمایل به ادامه کار سیاسی در آینده نمی‌خواست بسیار متفاوت با سلف خود عمل کند، ولی اقدامات او بیانگر تغییر سیاست داخلی و خارجی عراق همگام و همسو با آمریکا و هم‌پیمانان عربی آن است.

۵-۴. انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱

در ۱۸ مهر ۱۴۰۰ انتخابات زودهنگام که یکی از مطالبات معترضان عراقی بود برگزار شد. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، میزان مشارکت در پنجمین دوره انتخابات عراق کم بود. در این انتخابات، ائتلاف سائرون به رهبری مقتدی صدر توانست تعداد کرسی‌های خود را از ۵۴ به ۷۳ کرسی برساند.

ائتلاف فتح (نزدیک به جمهوری اسلامی ایران) از ۴۸ کرسی به ۱۴ کرسی، لیست نوری المالکی با افزایش ۱۲ کرسی در مجموع ۳۳ کرسی را به خود اختصاص دادند. در جریان اهل سنت، لیست محمد حلبوسی ۳۷ کرسی و رقیب او خمیس خنجر، سرمایه‌دار بزرگ عراقی، ۱۳ کرسی را کسب کرد. در اقلیم کردستان نیز حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی ۳۳ کرسی را به خود اختصاص داد که نسبت به دوره قبل ۷ کرسی افزایش داشت (رمضانی، ۱۴۰۰).

برنده اصلی این انتخابات صدر بود. صدر با ادعای پیروزی پس از اعلام نتایج اولیه، یک سخنرانی تلویزیونی داشت که بر اصلاحات و مبارزه با فساد متمرکز بود. او گفت که پیروزی حزبش «پیروزی بر شبه‌نظامیان» است. وی در پیامی به ایالات متحده و دیگر قدرتها گفت که از سفارتخانه‌های خارجی تا زمانی که در امور داخلی عراق دخالت نکنند استقبال می‌کند (همان). انسجام جریان‌های شیعی در این انتخابات ضعیف بود و در عراق، چهره‌های کلیدی طرفدار ایران این انتخابات را نامشروع خواندند. با توجه به نتایج انتخابات پیش‌بینی می‌شد دولت بعدی با محوریت صدر-بارزانی-حلبوسی باشد و در مقابل نوری المالکی-فتح و برخی مستقل‌ها نیز به دنبال تشکیل ائتلاف و در نهایت دولت سایه خواهند بود و در هر حال، مقتدی صدر پدرخوانده دولت بعدی خواهد بود و اگر صدر نتواند با متحدان پارلمانی آینده خود درباره نخست‌وزیر جدید توافق کند، به احتمال زیاد نامزد مورد توافق مصطفی الکاظمی است که با صدر، حلبوسی و کردها روابط خوبی دارد.

اما یک‌باره در ۷ شهریور ۱۴۰۱ مقتدی صدر، رهبر جریان صدر در بیانیه‌ای اعلام کرد به صورت دائم از فعالیت سیاسی کناره‌گیری کرده است. وی همچنین از بستن تمامی دفاتر و نهادهای وابسته به جریان صدر خبر داد (العالم، ۱۴۰۲). دفتر مقتدی صدر دلیل کناره‌گیری را واکنش به صدور بیانیه آیت‌الله سید کاظم حائری، از مراجع تقلید، برای کناره‌گیری از مرجعیت اعلام کرد؛ اما به گفته علی الصاحب العراقی در گفت‌وگو با العالم، تصمیم مقتدی صدر برای کناره‌گیری از سیاست به معنای تسلیم شدن نیست؛ بلکه پس از آنکه روند سیاسی در عراق خسته‌کننده، آزاردهنده، خالی از محتوا و بی‌فایده شد، او ترجیح داد از صحنه سیاسی کناره‌گیری کند (همان).

جدایی یا کناره‌گیری مقتدی صدر و انصراف حامیان‌ش از پارلمان فرصت را برای دیگر گروه‌ها فراهم کرد تا در راستای تشکیل دولت و انتخاب کارگزاران دولتی اقدام کنند و روز ۱۳ اکتبر بالاخره بعد از گذشت بیش از یک سال از زمان انتخابات پارلمانی عراق، نمایندگان پارلمان موفق

شدند «عبداللطیف رشید» را به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید این کشور انتخاب کنند. او از اعضای سابق حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان در دهه ۶۰ است. رئیس‌جمهور جدید عراق بعد از انتصاب به این پست، «محمد شیاع السوداني»، نامزد مدنظر ائتلاف چارچوب هماهنگی شیعیان را به‌عنوان نخست‌وزیر جدید این کشور معرفی کرد.

محمد شیاع السوداني به‌عنوان نخست‌وزیر جدید عراق از شخصیت‌های نزدیک به مرجعیت و شیعیان و نیز مورد قبول سنی‌ها و کردهاست. پیش‌بینی می‌شد که السوداني، برعکس مصطفی‌الکاظمی، سیاست همسو با ایالات متحده نداشته باشد و نارضایتی آمریکا از انتخاب او را می‌توان در رفتار رئیس‌جمهوری این کشور دید؛ جایی که جو بایدن بعد از انتخاب عبداللطیف شریف به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید عراق به او تبریک گفت، اما واکنشی به نخست‌وزیری السوداني نشان نداد. آمریکایی‌ها و کشورهای عربی شیاع السوداني را یک شخصیت نزدیک به مقاومت و ایران می‌دانستند که می‌تواند برای پروژه‌های آن‌ها در عراق چالش‌آفرین باشد.

۵-۴-۱. نخست‌وزیری شیاع السوداني

برخلاف آنچه گفته و پیش‌بینی می‌شد، السوداني خواستار حفظ رابطه نزدیک و هم‌زمان با ایران و آمریکا است و این را از مواضع او می‌توان فهمید. محمد شیاع السوداني، نخست‌وزیر عراق به دعوت رسمی سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، آذرماه ۱۴۰۱ در صدر هیئتی اقتصادی و سیاسی با هدف توسعه همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای به تهران سفر کرد. از روزی که السوداني در عراق بر سر کار آمده نگاه اکثریت در ایران این بود که فردی طرفدار تهران در بغداد به قدرت رسیده است؛ برای همین انتخاب السوداني را پیروزی سیاسی منطقه‌ای برای ایران قلمداد کردند (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۱ ب).

نخست‌وزیر عراق تأکید می‌کند که داشتن روابط خوب با ایران و آمریکا چیزی غیرممکن نیست. به همین دلیل مایل است همان روابطی را با واشنگتن حفظ کند که کشورهای عربی خلیج فارس در سال‌های اخیر مواضع مستقل‌تری را در برابر متحد آمریکایی خود به‌ویژه در مورد روسیه و ایران اتخاذ کرده‌اند. محمد شیاع السوداني در مصاحبه با *وال‌استریت ژورنال*، نه تنها از حضور سربازان آمریکایی برای مبارزه با داعش دفاع کرد، بلکه از روابط خوب با واشنگتن نیز دفاع کرد؛ موضعی که با مواضع اکثریت طرفدار تهران در تضاد است. محمد شیاع السوداني در نخستین

مصاحبه خود با *وال استریت ژورنال* گفت: «ما فکر می‌کنیم هنوز به نیروهای خارجی نیاز داریم؛ زیرا از بین بردن داعش اندکی بیشتر طول می‌کشد» (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۱ الف). در دسامبر گذشته عراق صحنه چهار حمله متناسب به داعش بود که بیش از ده‌ها سرباز و پلیس عراقی و همچنین حداقل یازده غیرنظامی را کشتند. هسته‌های این گروه تروریستی همچنان در سوریه حضور دارند. محمد شیاع السودانی نه تنها از حضور نیروهایی از کشورهای عضو ناتو از جمله نیروهای آمریکایی که به ارتش عراق در مبارزه با داعش کمک می‌کند دفاع کرد، بلکه جدول زمانی برای خروج ۲۰۰۰ سرباز آمریکایی که هنوز در این کشور حضور دارند تعیین نکرد. السودانی درصدد گسترش راه‌های ارتباطی خود با دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا و سایر دولت‌های غربی به امید جذب سرمایه‌گذاری و کمک است و با انتقاداتی که از او بر سر همسویی بیش از حد دولتش با ایران بیان می‌شود نیز مقابله می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی به‌ویژه در کشورهای شخصیت‌محور، به‌طور عمده ناشی از ویژگی‌های شخصیتی رهبران است. با وجود این، در عراق پس‌اصدام به‌مثابه کشوری که «نظم سیاسی نوین مستقر» آن واجد خصلت‌هایی چون پارلمانتاریسم، پلورالیسم و دموکراسی است، نقش نهادها در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی برجسته‌تر است. دولت در عراق چالش‌های متعددی در حوزه‌های داخلی، اقتصادی و سیاست خارجی دارد. بنابراین، سیاست خارجی این کشور بیش از اینکه تابع سطح کارگزارها باشد، تابع ساختارهای این کشور است. در واقع بیش از اینکه تغییر دولت‌ها در سیاست خارجی عراق تغییر ایجاد کند، منطبق و گفتمانی که در سیاست خارجی این کشور حاکم است ایفای نقش می‌کند (Devendra, 2021: 121). بر این اساس، سیاست‌گذاری خارجی عراق را می‌توان در سطح تحلیل نهادی بیش از سطح تحلیل فردی مطالعه و بررسی کرد. در واقع، می‌توان پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های سیاست خارجی عراق را در تحلیل نهادی بهتر و صریح‌تر درک کرد.

در این جستار، سیاست و روابط خارجی عراق را در سطح تحلیل فردی و کارگزارها (رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر) بررسی کرده‌ایم تا نقش، تأثیر و جایگاه حاکمان سیاسی عراق را که یا از شیعیان هستند و یا از سنی‌ها و گروه‌های نزدیک به ایران، واکاوی کنیم. در پایان و با تحلیل داده‌ها و اطلاعات، به این مهم خواهیم رسید که حاکمان و رؤسا و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی

عراق، با اینکه عموماً نزدیک به ایران و برخوردار از حمایت‌های ایران هستند، اما عموماً سیستم سیاسی و نهادهای عراق این اجازه را به آن‌ها نمی‌دهد که فراتر از منطق حاکم بر ساختار عراق، با ایران ارتباط و تعامل برقرار کنند و نفوذ ایران در کشور عراق را بیشتر کنند. در نهایت اینکه با توجه به ساختار سیاسی حاکم در عراق و نگرش گروه‌ها و مردم، حاکمان عراق تلاش می‌کنند که روابط خود با ایران و سایر کشورها را با حفظ تعادل و در چارچوب سیستم پیش ببرند.

به‌طور کلی، حلقه‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی عراق مطابق چهارچوب الگوی نهادی هیلزمن، در فضایی متأثر از بازی سایر بازیگران مداخله‌گر نیز قرار دارند؛ هرچند می‌توان برای آن‌ها نقش خاصی نیز قائل شد. البته نخست‌وزیر مطابق اسناد بالادستی و به‌مثابه حلقه اول همچنان نقش اساسی در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری خارجی ایفا می‌کند. بر این اساس، مجموعه رفتارهای سیاسی نخست‌وزیر می‌تواند گامی مهم در حرکت عراق به سمت استقلال باشد؛ به‌گونه‌ای که در جهت‌گیری‌های خارجی در نظام بین‌الملل مستقل عمل کند و در مسیر ایجاد یک بلوک قدرتمند در غرب خاورمیانه، بر جایگاه کشور در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی بیفزاید.

عراق به دنبال سیاست خارجی متوازن است که بر اساس آن در هیچ محوری علیه محور دیگری قرار نگیرد. ضمن اینکه اگر روابط عراق را در دهه اخیر بررسی کنیم، خواهیم دید آن‌ها تلاش کرده‌اند با هیچ‌یک از همسایگان خود و حتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای وارد تنش و رابطه خصمانه نشوند و حتی روابط منازعه‌آمیز میان برخی کشورها را با میانجی‌گری حل کنند. علاوه بر این، آن‌ها طیف وسیعی از روابط سیاسی را مدنظر دارند و به لحاظ تأمین نیازهای اقتصادی خود، خواهان مبادی متنوع هستند. مسائل تاریخی و هویتی، ژئوپلیتیک و گفتمانی از علل این رویکرد عراق است. در این میان، با توجه به اینکه حفظ توازن و تنش‌زدایی و نهایتاً تنوع‌بخشی در روابط خارجی از مؤلفه‌های مهم در سیاست خارجی عراق است، جمهوری اسلامی ایران با پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و قدرت فرهنگی که در عراق دارد، می‌تواند رفتارهایش را در نظر دولت و جامعه عراق مشروع نشان دهد. در این راستا، نیازمندی‌های اقتصادی عراق برگ خرید مهمی خواهد بود. ایران باید با روش‌های جدید تجاری و تنوع صادرات، سرمایه‌گذاری مشترک و ارائه انواع خدمات از جمله خدمات فنی-مهندسی، به گسترش بیشتر روابط بپردازد و در همین حال از مسائل فرهنگی و رسانه‌ای نیز غافل نشود.

منابع

الف) فارسی

- احمدی، فرج‌الله؛ قزوینی حائری، یاسر. (۱۳۸۲). «فرایند تدوین قانون اساسی عراق». *فصلنامه سیاست*، ۴۰ (۲)، ۳۸-۱۹.
- ازکات، سمیرا. (۱۴۰۰). «دولت موقت الکاظمی: روابط عراق و عربستان، تقویت ناسیونالیسم عربی؛ علل و پیامدها». مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، در دسترس در: www.cmess.ir/Page/View/2021-04-21/4721
- اسکات، ریچارد. (۱۳۸۷). «سازمان‌ها: سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز»، ترجمه: حسن میرزایی اهرنجانی، انتشارات سمت.
- افشون، تورج. (۱۳۹۴). «دین و علمانیت در ساختار حقوقی-حاکمیتی عراق». *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۶ (۳)، ۶۸-۴۵.
- افشون، تورج؛ عبدالحسین الله‌کرم. (۱۳۹۹). «سناریوهای سیاست خارجی عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران». *آفاق امنیت*، ۱۳ (۴۶)، ۱۲۵-۱۵۵.
- پشنگ، اردشیر؛ زمردی، زهرا. (۱۳۹۳). «بررسی تحولات سیاسی عراق در پرتو سیاست خارجی ایران، ترکیه و عربستان». *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۸ (۳)، ۴۹۹-۴۷۷.
- پورحسن، ناصر؛ خوشناموند، افسانه. (۱۳۹۹). «شکل‌گیری مرز نرم در روابط ایران و عراق در دوره پسا‌صدام». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۹ (۳۴)، ۷۳-۱۰۵.
- دیپلماسی ایرانی. (۱۴۰۱ الف). «اعتقاد نخست‌وزیر عراق به رابطه نزدیک هم‌زمان داشتن با ایران و آمریکا»، در دسترس در: irdiplomacy.ir/fa/news/2017141
- دیپلماسی ایرانی. (۱۴۰۱ پ). «السودانی تحت فشار آمریکایی‌ها و مقتدی صدر». در دسترس در: irdiplomacy.ir/fa/news/2017549
- رمضانی، سعید. (۱۴۰۰). «تحلیل و ارزیابی نتایج پنجمین دوره انتخابات پارلمانی عراق در ۲۰۲۱». مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، در دسترس در: www.cmess.ir/Page/View/2021-10-27/4899
- سلیمانی، غلامعلی. (۱۳۹۵). «مزایای تحلیل سیاست خارجی از منظر تصمیم‌گیر». *فصلنامه سیاست*، ۴۶ (۳)، ۶۳۳-۶۵۲.
- سید، محمود؛ زارع، فاطمه. (۱۳۹۵). «مناقشات مرزی عراق با همسایگان خود با تکیه بر جنگ دوم خلیج فارس». *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹ (۳۳)، ۲۱۹-۲۴۹.

- صلاحی، سهراب؛ بهادری جهرمی، علی. (۱۳۹۱). «ساختارهای اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، مطالعه تطبیقی». *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۳ (۲)، ۶۵-۸۲.
- العالم. (۱۴۰۲). «بررسی دلایل کناره‌گیری صدر از سیاست». در دسترس در: <https://fa.alalam.ir/news/6333413>
- عطایی، فرهاد؛ قادری کنگاوری، روح‌الله؛ ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و آمریکا در عراق جدید»، *فصلنامه سیاست*، ۴۱ (۳)، ۱۰۹-۲۰۳.
- کاظمی، حجت. (۱۳۹۲). «نهادگرایی به‌عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی». *پژوهش سیاست نظری*، ۱۳، ۱-۲۷.

ب) عربی

- عبدالرزاق، صلاح. (۲۰۲۰). *السید سیستانی و دوره فی العراق*. الطبعة الاولى، بغداد: مركز الهدی للدراسات الحوزویه.

References

- Afshoun, T. & Allahkaram, A. (2020). "Scenarios of Iraq's Foreign Policy towards the Islamic Republic of Iran". *Security Horizons*, 13 (46), 125-155. [In Persian].
- Afshoun, T. (2015). "Religion and Secularism in the Legal-Sovereign Structure of Iraq". *Islamic World Strategic Studies Quarterly*, 16 (3), 45-68. [In Persian].
- Ahmadi, F. & Ghazvini haeri, Y. (2010). "The Formulation Process of Iraqi Constitution". *Political Quarterly*, 40 (2), 19-38. [In Persian].
- Ataie, F.; Ghaderi kangavari, R. & Ebrahimi, N. (2011). "Public Diplomacy and Soft Power: Iran and America in the New Iraq". *Political Quarterly*, 41 (3), 189-203. [In Persian].
- Darvishi setalani, F. & Vatankhah, Z. (2018). "A Study of the Islamic Republic of Iran's Policy toward New Iraq (2003-2015)". *Geopolitics Quarterly*, 13 (4), 1-19.
- Devendra, N. (2021). *The New Government in Iraq: Challenges Ahead*. Manohar Parrikar Institute for Defence Studies and Analyses. India.
- Hilsman, R. (1967). "Intelligence and Policy Making in Foreign Affairs". *World Politics*, 5 (1), 1-45.
- Katzman, K. (2010). "Iran-Iraq Relations". *Congressional Research Service*, 7-5700, 1-11.
- Kazemi, H. (2013). "Institutionalism as a Model for Political Analysis". *Theoretical Policy Research*, 13, 1-27. [In Persian].
- Pashang, A. & Zomorodi, Z. (2014). "Investigating the Political Developments of Iraq in the Light of the Foreign Policy of Iran, Turkey and Saudi Arabia". *Foreign Policy Quarterly*, 28 (3), 477-499. [In Persian].
- Pourhasan, N. & Khosnamvand, A. (2020). "The Formation of a Soft Border in the Relations between Iran and Iraq in the Post-Saddam Epoch". *Political Strategic Studies*, 9 (34), 73-105. [In Persian].
- Salahi, S. & Bahadori jahromi, A. (2012). "Constitutional Structures of Islamic Republic of Iran and Republic of Iraq: a Comparative Study". *Comparative Law Review*, 3 (2), 65-82. [In Persian].
- Sari, I. (2021). "Iran's New Iraq Policy after Saddam: From Sociological Dynamics to Political Realities". *The Journal of Iranian Studies*, 5 (2), 427-454.

- Scott, W. Richard. (1998). *Organizations Rational, Natural, and Open Systems*. Translated by Mirzaei ahranjani, H., Tehran: Samt. [In Persian].
- Seyyed, M. & Zare, F. (2016). "Iraqi Border Disputes with Its Neighbors Based on the Second Persian Gulf War". *Research Letter of International Relations*, 9 (33), 219-249. [In Persian].
- Soleymani, Gh. (2016). "The Benefits of Foreign Policy Analysis from the Perspective of Decision Maker". *Political Quarterly*, 46 (3), 633-652. [In Persian].

